

امریکا و جهان

بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۱۴ چیزی که هیچوقت بمخیله مردم امریکا نمیکذشت جنگ بود امکان شرکت امریکا در جنگ اروپا تقریباً محال بنظر میرسید و سیاست عدم مداخله در اعماق فکر ملت امریکا جایگزین شده بود، در عین حال امریکائیهها حس میکردند که همبستگی آنها با سایر دول خواهی نخواهی بیشتر میشود و سرنوشتشان با سرنوشت دیگران مربوط میگردد. تلگراف و وسائل نقلیه سریع فاصله را کم کرد، قحطی یا مرضی که در آسیا یا اروپا بروز میکرد ممکن بود در ظرف يك هفته با امریکا برسد و امریکائیهها را مبتلا سازد. در نتیجه امریکائیههای بیعلاقه باحوال سایر اقوام ناگزیر شدند بیش از پیش تحولات سایر قطعات عالم را مورد توجه قرار دهند و امور خود را بمطالعه اوضاع آنها تنظیم نمایند.

در اول اطلاعات امریکائیهها راجع بسایر مردم جهان بسیار محدود بود غیر از آنچه که در مدرسه خوانده بودند یا آنچه از مسافرین می شنیدند اطلاع دیگری نداشتند آنها میدانستند که در سایر کشورها رژیم های مختلفی حکم فرماست. آنها میدانستند که بسیاری از ملل از آزادی و وسائل لازمه زندگی محروم هستند ولی هیچگاه فکر نمیکردند که دولشان باید رسماً در این موارد دخالت کند و بزور آزادی و خوشبختی را بر سایرین تحمیل نماید. البته گروه زیادی بودند که با تشکیل انجمنها تبلیغات زیادی بر له یا علیه دیگر اقوام مینمودند. مگر بجمع آوری اعانه برای اقوام عقب افتاده می پرداختند اما باز درست مسئولیت خود را نسبت بامور گیتی حس نکرده بودند.

جنگ ۱۸ - ۱۹۱۴ شروع شد مطالعه اخبار جنگ علاقه آنها را نسبت بامور جهانی بیشتر کرد. عده زیادی بواسطه فرهنگ و زبان و ادبیات مشترک هوا خواه انگلیس شدند و جمعی دیگر که آلمانی الاصل بودند طرفدار آلمان شدند. متدرجاً اوضاع بدتر شد کشتیهای امریکائی توسط متخاصمین غرق و یکصد و سی نه نفر امریکائی بوسیله آلمانها کشته شدند. امریکا بانگلیس و آلمان اعتراض کرد ولی بنتیجهای نرسید. احساسات مردم شدیدتر شد. تنها يك چیز بر له انگلیسها بود و آن این بود که آنها در محاربات خود



خونی از اتباع امریکائیا نریختند با اینهمه ملت امریکا حاضر برای جنگ نبود. ویلسن خیلی سعی کرد که طرفین را آشتی دهد و از توسعه دامن جنگ جلوگیری کند اما کوشش او فایده‌ای نبخشید. امپراطوری آلمان که میخواست حریف خود را قبل از دخالت امریکا شکست دهد هیچ حاضر به میانجیگری نبود در نتیجه بر تعداد هواخواهان انگلیس در امریکا افزوده شد.

اما اینها هیچکدام ملت امریکا را بجنگ نکشانید آنچه در واقع آنها را تهییج کرد احساسات ملی بود، وقتی دیدند که پرچم کشور آنها بدون جهت طعمه حریق قرار گرفته وقتی دیدند که آزادی آنها در خطر افتاده اعلان جنگ دادند و گفتند «صحیح است که حفظ صلح گرانبها است اما نه آن اندازه که بقیمت تضییع حقوق مردم و احیاء دموکراسی تمام گردد. باید برای دموکراسی و برای کمک کسانی که جهت حفظ حقوق خود مبارزه میکنند جنگید. باید جهانی بوجود آورد که حقوق مردم دائماً در آن حفظ گردد.» این بود منظور امریکا از جنگ. با ورود امریکا بجنگ شکست آلمان قطعی شد با آنکه امریکا خود را آماده جنگ نکرده بود طولی نکشید که دو میلیون نفر در فرانسه پیاده کرد، صنایع امریکا و قدرت اقتصادی امریکا در راه جنگ بکار افتاد. امریکا در جنگ تلفات و خسارات فوق العاده‌ای دید ولی بعد از جنگ مطالبه غرامت یا مستعمراتی نکرد تنها قطعه زمینی را که امریکا در اروپا بدست آورد گورستانی بود که در آن سر بازان خود را بنحاک سپرد ملت امریکا هیچگاه از ضررها ناکه در نتیجه جنگ عایدش شد شکایت نکرد زیرا عملی که کرده بود از روی طیب خاطر و برای حفظ معتقدات خود بود و منظور مادی از کار نبود علوم انسانی

ودرو ویلسن برای آتیه جهان خوابهای شیرینی میدید او پیش بینی يك جامعه ملل و يك داد گاه داوری بین المللی و يك سیستم تعاون جهانی را میکرد چهارده اصل او هنوز در سینه اغلب محفوظ است، اما بدبختانه او نتوانست بملت امریکا نظرات خود را بفهماند مخالفینش او را از کار انداختند و افکارش را زیر پا گذاردند او از غصه مرد ولی نام خود را در زمره شهدای عالم انسانیت برای همیشه باقی گذارد.

بعد از ویلسن با آنکه سیاست عدم مداخله باز روی کار آمد ولی امریکا از



تعقیب مقصود صلح باز نایستاد در ۱۹۲۱ کنفرانس خلع سلاح و در ۱۹۲۸ پیمان کلوگ بریاند را پیشنهاد کرد، اما همانطور که فواصل جهان روز بروز کمتر میشد امید صلح پایدار نیز رو بضعف میرفت، با ظهور نازیسم در آلمان و حزب نظامی ژاپن بیش از پیش مسلم شد که آرزوهای امریکا نقش بر آب بوده است. لیدرهای دول محور علناً ادعا میکردند که نژاد آقا باید بر جهان حکومت کند و سایر دول باید برده و اسیر گردند در اینموقع امریکائی حس کرد که اگر سیل بردگی جهان را فرا گیرد امریکا نخواهد توانست بصورت يك جزیره آزاد هستی خود را حفظ کند. بنا بر این باز وارد جنگ شد و آنچه داشت برای جنگ بکار برد.

### امریکا از جنگ چه میخواهد؟ هدف امریکا چیست؟

امریکا نمیخواهد بساط امپراطوری در سراسر جهان بگستراند، نمیخواهد دیگران را بنده و خود را آقا سازد این افکار با ایندالبائیکه همیشه امریکا داشته و دارد مطابقت نمیکند آنچه امریکا میطلبد صلح است - صلحیکه شالده يك دنیای آزاد را بریزد و صلحی که ترقی کلیه افراد بشر را تأمین نماید و همه را خوشبخت گرداند چهار آزادی هدف سیاست امریکامیباشد، آزادی نطق و آزادی مذهب و آزادی از بیم و آزادی از فقر. این چهار آزادی را نه تنها برای خود بلکه برای کلیه مردم روی زمین میخواهد و پیوسته برای حصول آنها مبارزه میکند.

پرویشگاه علوم انسانی طاعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی